

Jurisprudence and Private Law Quarterly, Year 2, No:6, Summer 2025

A Legal Analysis of the Effects of Abstract Payment Obligations

Fateme Behnam¹

Alireza alipanah²

Abstract:

Unilateral undertakings constitute a juridical act of a unilateral nature which, upon its formation, immediately gives rise to a binding obligation incumbent upon the issuer (the applicant/opening party). Until such time as the issuer effects payment of the amount of the credit to the beneficiary, the issuer acquires no enforceable right vis-à-vis the beneficiary.

The issuer's obligations toward the beneficiary include: the duty to examine the documents; the duty to exercise due care and to act in good faith; the duty to notify the beneficiary of any discrepancies or non-conformities; and the duty to pay the credit.

Upon payment of the credit amount, the issuer acquires certain rights against the beneficiary, including rights arising from the breach of warranties as to the genuineness, accuracy, and authenticity of the documents and from the absence of fraud, on the one hand; and, on the other hand, rights deriving from subrogation following payment.

The beneficiary, prior to receipt of the credit amount, bears no obligation toward the issuer or any secondary (confirming or nominated) bank. Evidently, upon presentation of the documents and receipt of payment, the aforementioned obligations become established upon the beneficiary.

Keywords: Abstract Payment Obligations – Beneficiary – Issuance of the Letter of Credit – Secondary Bank.

¹ PhD student, Private Law, Shiraz University, Shiraz, Iran.(dibabehnaam@gmail.com)

² Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.(alipanah_a@yahoo.com)

فصلنامه فقه و حقوق خصوصی
سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۴
(صص ۹۸-۸۰)

بررسی حقوقی آثار تعهدات پرداخت مجرد

فاطمه بهنام^۱

علیرضا عالی پناه^۲

چکیده: تعهدات مجرد ایقاعی است که به محض تشکیل، تعهدی لازم برعهده گشاینده ایجاد می شود. تا زمانی که گشاینده، وجه اعتبار را به ذی نفع نپرداخته است هیچ حقی در برابر ذی نفع ندارد. تعهد به بررسی اسناد، تعهد به رعایت دقت و حسن نیت، تعهد به اطلاع موارد عدم انطباق به ذی نفع و تعهد به پرداخت از تعهدات گشاینده در برابر ذی نفع و حقوق ناشی از نقض صحت، درستی، اصالت اسناد و عدم ارتکاب تقلب از یک طرف، حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت از یک طرف دیگر، از جمله حقوق گشاینده با پرداخت وجه اعتبار در برابر ذی نفع است. ذی نفع تا زمانی که وجه اعتبار را دریافت نکرده باشد هیچ تعهدی در برابر گشاینده یا بانک ثانوی ندارد. بدیهی است با ارائه اسناد و پرداخت وجه از ناحیه ذی نفع، تعهدات موصوف بر وی ثابت می شود.

کلیدواژه‌ها: تعهدات پرداخت مجرد، ذی نفع، گشایش اعتبار، بانک ثانوی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

(dibabehnaam@gmail.com)

^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(alipanah_a@yahoo.com)

مقدمه

انسان در طول زندگی خود نیازهای متفاوتی دارد. جامعه نیز برای تکامل نیازهایی دارد که برای رفع آنها نهادهایی به وجود آمده است. انجام تجارت در جامعه نیز نیازمند لوازمی، از جمله سرعت، آسانی، امنیت و اعتبار است. در زمان‌های گذشته، نیازهای افراد برای پرهیز از خطر جابه‌جایی پول برای بازرگانانی که به کشورهای دور سفر می‌کردند موجب پیدایش نهاد حواله یا برات شد. امروزه نیازهای تجارت با نهاد تعهدات پرداخت مجرد قابل رفع می‌باشد. در تجارت، هرکسی می‌خواهد در برابر آنچه می‌دهد از طرف مقابل چیزی بگیرد. تمام سیاست‌های تجاری و اقتصادی به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری و دادوستدهای تجاری هستند، اما برای جلوگیری از آشفتنگی در تجارت باید قواعد آن را شناخت و نظامی حقوقی بر آن حاکم کرد. خطر، نخستین مفهوم مهم در حوزه تجارت است. در واقع می‌توان خطر را همزاد تجارت دانست. برای کاهش خطر در تجارت، باید آثار تعهدات پرداخت مجرد را شناخته و حقوق و تعهدات ذی‌نفع و گشاینده اعتبار در برابر یکدیگر را بررسی کرد تا از به وجود آمدن خطرات احتمالی در معاملات تجاری پیشگیری شود. این مقاله در صدد پاسخ به دو پرسش است:

۱. تعهدات و حقوق گشاینده در برابر ذی‌نفع اعتبار کدام است؟

۲. تعهدات و حقوق ذی‌نفع در برابر گشاینده اعتبار چیست؟

کم‌تر حقوق‌دان ایرانی به تحقیق در مورد آثار تعهدات پرداخت مجرد پرداخته است. چندین کتاب و مقاله در مورد تعهدات پرداخت مجرد ترجمه و تالیف شده که برخی از ابعاد آثار تعهدات پرداخت مجرد را بررسی کرده است. از جمله می‌توان به کتاب *ضمانت نامه‌های بانکی در حقوق ایران و تجارت بین الملل* از علیرضا مسعودی، *حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی)* از ماشاءالله بنانیاسری، و مقاله «قابلیت ماهیت اعتبار در حقوق اعتبارات اسنادی» علیرضا نیکبخت اشاره کرد. در این مقاله آثار تعهدات پرداخت مجرد در دو بخش مهم (یک) حقوق و تعهدات گشاینده در برابر ذی‌نفع و (دو) حقوق و تعهدات ذی‌نفع در برابر گشاینده اعتبار مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- تعهدات و حقوق گشاینده در برابر ذی نفع اعتبار

تعهدات مجرد، ایقاعی است که به محض تشکیل، تعهدی لازم برعهده گشاینده ایجاد می شود. تا زمانی که گشاینده، وجه اعتبار را به ذی نفع نپرداخته است، هیچ حقی در برابر ذی نفع ندارد (Pawlowic, 2001:6). تعهد اصلی گشاینده در اثر گشایش اعتبار، تعهد پرداخت مبلغ اعتبار به ذی نفع است. سایر تعهدات، تعهدات فرعی ای هستند که برای اجرای همین تعهد اصلی، ذمه گشاینده را مشغول می کند (سلطان، ۱۳۹۰: ۱۶۴). به هر حال، تعهدات گشاینده در برابر ذی نفع شامل تعهد به بررسی اسناد، تعهد به رعایت دقت و حسن نیت، تعهد به اطلاع موارد عدم انطباق به ذی نفع، و نهایتاً تعهد به پرداخت است. در مقابل، حقوقی که گشاینده با پرداخت وجه اعتبار در برابر ذی نفع خواهد داشت، شامل حقوق ناشی از نقض صحت، درستی، اصالت اسناد و عدم ارتکاب تقلب از یک طرف، و حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت از طرف دیگر می باشد (بنایاسری، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۴۵).

بنابراین، این مبحث را به دو بخش تقسیم می کنیم: (یک) تعهدات گشاینده در برابر ذی نفع؛ (دو) بررسی حقوق گشاینده در برابر ذی نفع.

۱-۱- تعهدات گشاینده در برابر ذی نفع اعتبار

با مطالعه مقررات مربوط به تعهدات مجرد می توان تعهداتی را که در اثر افتتاح اعتبار بر دوش گشاینده قرار می گیرد، شناسایی کرد. تعهدات گشاینده اعتبار، مطابق این مقررات (مجموعه قوانین و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP600) شامل تعهد به بررسی اسناد، تعهد به اعمال دقت و رعایت حسن نیت در بررسی اسناد، تعهد به اعلام موارد عدم انطباق به ذی نفع، و در نهایت تعهد به پرداخت وجه اعتبار در صورت مطابقت ارائه با مفاد اعتبار است.

به هر حال، از آنجا که تعهد به پرداخت ثمن، تعهدی است که پس از بررسی اسناد و اعلام موارد عدم انطباق و رفع موارد اختلاف در اسناد به اجرا درمی آید، لذا بهتر است در مطالعه این تعهدات نیز این ترتیب رعایت شود و در ابتدا تعهد به بررسی اسناد و در پایان، تعهد به پرداخت وجه اعتبار مورد بررسی قرار گیرد (مسعودی، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

براین اساس، مطالب این قسمت را طی چهار بند ارائه می‌دهیم: (یک) تعهد گشاینده به بررسی اسناد؛ (دو) لزوم اعمال دقت و رعایت حسن نیت در بررسی اسناد؛ (سه) تعهد گشاینده به اعلام موارد عدم انطباق ارائه با مفاد اعتبار با ذی‌نفع؛ (چهار) تعهد گشاینده به پرداخت وجه اعتبار.

۱-۱-۱- تعهد گشاینده به بررسی اسناد

پیش از ایفای تعهد اعتبار گشاینده در تعهدات پرداخت مجدد، بانک باید به بررسی اسناد پرداخته و مطابقت ظاهری آنها را با مفاد اعتبار، احراز کند (رفیعی، ۱۳۹۴: ۴۲). در واقع، زمانی می‌توان اسناد را منطبق با مفاد اعتبار دانست که از حیث شکل و محتوا، دقیقاً همان چیزی باشد که در اعتبار خواسته شده و حتی باید از جهت زمان ارائه، شخص ارائه دهنده و مکان ارائه نیز منطبق با مفاد اعتبار باشد. بنابراین، بهتر است به جای عبارت «اسناد منطبق با اعتبار» عبارت «ارائه منطبق با اعتبار» که در مقررات موضوعه راجع به تعهدات پرداخت مجدد (مجموعه قوانین و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP600) هم دیده می‌شود، به کار برد.

در کنار اصل استقلال اعتبار، «دکترین لزوم انطباق ارائه با مفاد اعتبار» یکی دیگر از اصول بنیادین تعهدات مجدد می‌باشد. در اصل استقلال اعتبار، از منافع ذی‌نفع اعتبار بحث می‌شود، اما، توجه اصل «دکترین انطباق ارائه با مفاد اعتبار»، حمایت از منافع متقاضی می‌باشد. اصل استقلال اعتبار، زمینه‌ساز اصل پذیرش دکترین انطباق ارائه با مفاد اعتبار می‌باشد.

این زمینه‌سازی به این صورت است که در بستر اصل استقلال اعتبار، تعهد بانک از بررسی و بازرسی کالا تبدیل به تعهد به بررسی و تطبیق اسناد می‌شود. اصل استقلال اعتبار و اصل انطباق ارائه با مفاد اعتبار، مکمل یکدیگرند: اگر بانک گشاینده اعتبار و هم‌چنین بانک ثانوی متعهد شده‌اند که در بررسی و مطابقت اسناد در معامله پایه ورود نکنند (اصل استقلال تعهدات مجدد از معامله پایه) پس فقط تنها راه احراز ایفا یا تخلفات ذی‌نفع از تعهداتش، همان ارائه اسناد از سوی او می‌باشد.

در نتیجه، خلأیی که در اثر اصل استقلال اعتبار ایجاد می‌شود، با اصل انطباق اسناد با مفاد اعتبار از بین می‌رود. بنابراین، بانک به صورت غیر مستقیم، ایفای تعهدات ذی‌نفع را که ناشی از معامله پایه می‌باشد بررسی می‌کند. به این معنا که بانک فقط ظاهر اسناد را بررسی می‌کند و هیچ وظیفه‌ای نسبت به تحقیق در مورد صحت و سقم واقعیات خارجی تعهدات ناشی از معامله پایه

ندارد. در حقیقت، اصل انطباق دقیق اسناد بروز آثار ناعادلانه اصل استقلال اعتبار از معامله پایه جلوگیری می‌کند. به بیان دیگر، اصل انطباق اسناد با اعتبار و اصل استقلال اعتبار همان‌طور که مکمل یکدیگر هستند، موجب تعدیل نتایج ناعادلانه یکدیگر می‌شوند (بنانیاسری، ۱۳۹۵: ۴۴۷).

۲-۱-۱- لزوم اعمال دقت و رعایت حسن نیت در بررسی اسناد

گشاینده اعتبار یا بانک‌های ثانوی‌ای که با آن در ارتباط هستند، باید با دقت اسناد را بررسی نموده و حسن نیت را رعایت کنند تا از تطبیق اسناد برحسب صورت ظاهر با مفاد اعتبار یقین حاصل کنند. صداقت در عمل و رعایت معیارهای عاقلانه در معامله مربوطه را «حسن نیت» می‌گویند. گشاینده نمی‌تواند خود را از مسئولیت عدم رعایت حسن نیت یا مسئولیت ناشی از نقضی فاحش معاف کند.

تعهد بانک گشاینده به دریافت اسناد به ظاهر منطبق، تعهد به نتیجه به نظر می‌آید، نه تعهد به اعمال مراقبت (تعهد به وسیله). بنابراین، از زمانی که بانک گشاینده، اسناد را منطبق با اعتبار تشخیص دهد و آنها را از ذی‌نفع می‌پذیرد، در برابر متقاضی اعتبار «مطابقت ظاهری» اسناد با مفاد اعتبار را تضمین کرده است و اگر عدم انطباق ظاهری اسناد کشف شود به معنای تخلف بانک از تعهد است.

۳-۱-۱- تعهد گشاینده به اعلام موارد عدم انطباق ارائه با مفاد اعتبار به ذی‌نفع

اگر ارائه منطبق با مفاد اعتبار باشد، گشاینده تکلیف به ایفای تعهد اعتبار دارد، اما اگر ارائه از نظر بانک گشاینده با اعتبار منطبق نباشد، گشاینده ارائه نمی‌پذیرد و آن را رد می‌کند. زمانی که بانک متوجه عدم تطبیق اسناد شد، مکلف است تمام موارد عدم انطباق را به ارائه‌کننده (ذی‌نفع) اطلاع دهد؛ یعنی گشاینده در این موارد متعهد به دادن «اطلاعیه عدم انطباق»^۱ به ارائه‌کننده اسناد است و اگر این تعهد را انجام ندهد، ضمانت اجرای شدیدی مانند از دست دادن حق استناد به عدم انطباق مزبور را در پی دارد (نیکبخت و بنانیاسری، ۱۳۹۰: ۳۶۷).

¹ Notice of Discrepancies

اطلاعیه عدم انطباق و علت رد اسناد و ذکر موارد عدم انطباق به این دلیل اهمیت دارد که مطلع شدن ذی نفع از این مسأله، این فرصت را به او می‌دهد (ذی نفع اعتبار) که پیش از انقضای مدت اعتبار، موارد عدم انطباق را رفع کرده و اسناد را دوباره ارائه دهد. (Schmitthff, 1987: 103).

۴-۱-۱- تعهد گشاینده به پرداخت وجه اعتبار

مهم‌ترین تعهد گشاینده، پرداخت وجه اعتبار می‌باشد که تعهدات پیشین، مقدمه اجرای این تعهد است. تعهد به پرداخت مبلغ اعتبار، اصلی‌ترین تعهد گشاینده است که در حقیقت اعتبارنامه برای ایفای آن تشکیل شده است (رفیعی، ۱۳۹۴: ۶۵). در خصوص پرداخت وجه اعتبار دو مسأله قابل بررسی است: (الف) نحوه ایفای تعهد اعتبار، و (ب) ضمانت اجرای تخلف گشاینده از ایفای تعهد پرداخت.

الف. نحوه ایفای تعهد گشاینده به پرداخت

در صورت انطباق ارائه با مفاد اعتبار، گشاینده، متعهد به ایفای اعتبار است. پرداخت وجه اعتبار فقط برعهده بانک گشاینده اعتبار و بانک تأیید کننده اعتبار است و سایر بانک‌های ثانوی درگیر در تعهدات مجرد، ممکن است فقط برای پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع اذن داشته باشند، و در این خصوص تعهدی برعهده ندارند. ایفای تعهد اعتبار باید در همان زمان و همان مکان مشخص شده در اعتبار و با ارز مذکور در اعتبار صورت گیرد.

ب. ضمانت اجرای تخلف گشاینده از ایفای تعهد اعتبار

هیچ مطلبی از ضمانت اجرای تخلف گشاینده از ایفای تعهد اعتبار در هیچ‌یک از مقررات و متون راجع به تعهدات مجرد وجود ندارد. در نتیجه، در اعتبارنامه‌ها این قانون ملی حاکم بر اعتبارنامه است که ضمانت اجرای تخلف از انجام تعهد اعتبار را معین می‌کند. نظام ضمانت اجرای تخلف از ایفای تعهدات پرداخت مجرد، در چهارچوب قواعد عمومی قراردادها تعیین می‌شود (Roy, 2001: 3).

۲-۱- حقوق گشاینده در برابر ذی نفع

تعهدات پرداخت مجرد به معنای خاص، عمل حقوقی یک‌جانبه (ایقاع) می‌باشد که فقط گشاینده را در برابر ذی نفع متعهد می‌سازد. بنابراین، ذی نفع که تنها متعهدله این رابطه است در برابر گشاینده تعهدی برعهده ندارد تا با نقض آن، ملزم به اعطای حقوقی به گشاینده شود. این مسأله تا زمانی صادق است که اسناد مذکور در اعتبار ارائه نشده و وجه اعتبار از طرف ذی نفع اخذ نشده باشد (وکیل‌زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۹۱).

با ارائه از طرف ذی نفع و دریافت وجه اعتبار توسط او، ذی نفع تضمیناتی را به حکم قانون در برابر گشاینده و سایر اشخاص برعهده می‌گیرد که دارای ماهیت تعهد است، به طوری که نقض آنها مسئولیت ذی نفع را در پی دارد. در واقع، گشاینده با پرداخت وجه اعتبار، دینی را ایفا کرده که با توجه به ماهیت استقلالی تعهد مجرد، دین خود او بوده است، اما در حقیقت، دین دیگری را پرداخته و این حق را دارد که برای مطالبه بازپرداخت وجه اعتبار به متقاضی رجوع کند.

مطابق قاعده، هرگاه شخصی دین دیگری را بپردازد، اگر این پرداخت با اذن مدیون اصلی باشد هم دارای حقوقی می‌گردد که طلب کار در برابر مدیون اصلی داشته، و هم حقوقی به او تعلق می‌گیرد که مدیون اصلی در برابر طلب کار داشته است. به حقوقی که پرداخت کننده ماذون به این صورت به دست می‌آورد، حقوق ناشی از «قائم مقامی در پرداخت»^۱ می‌گویند.

بنابراین، با اعمال نظریه قائم مقامی در پرداخت در قلمرو تعهدات مجرد، ممکن است گشاینده اعتبار، همان حقوقی را که متقاضی اعتبار براساس قرارداد پایه در برابر ذی نفع داشته دارا گردد. به علاوه، ممکن است گشاینده با پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع، قائم مقام حقوقی ذی نفع در برابر متقاضی شود (نصیری اقدم، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

جدا از حقوقی که گشاینده در اثر قائم مقامی در پرداخت در برابر ذی نفع و حقوقی که به دلیل نقض تضمین‌هایی که ذی نفع برعهده گرفته است، دارد، می‌توان از حقوق مطالبه بازپرداخت و حق وثیقه گشاینده بر اسناد صحبت کرد. حق وثیقه‌ای که گشاینده با پرداخت وجه اعتبار و دریافت اسناد حمل به دست می‌آورد از حقوق گشاینده در برابر متقاضی اعتبار است، زیرا زمانی

¹ Right of Subrogation

که ذی نفع اعتبار، مبلغ را دریافت و اسناد را به گشاینده تحویل می‌دهد، اسناد حق متقاضی اعتبار است و ذی نفع دیگر حقی بر اسناد ندارد تا به گشاینده منتقل کند (وکیل زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۹۴). با وجود آنکه حق گشاینده به مطالبه بازپرداخت، و حق وثیقه‌ای که گشاینده بر اسناد و کالای موضوع اسناد می‌یابد، حقوقی است که گشاینده براساس قرارداد تقاضای اعتبار در برابر متقاضی تحصیل می‌کند، از آنجایی که حقوق گشاینده (مطالبه بازپرداخت و حق وثیقه) حقوقی است که طبق قرارداد تقاضای اعتبار متقاضی به وجود می‌آید، اما ایجاد این حقوق برای گشاینده، معلق بر ایفای صحیح تعهد گشاینده در برابر ذی نفع است (سلطان، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

بنابراین، باید مباحثی را در ادامه مورد بررسی قرار دهیم: (یک) حقوق ناشی از نقض تضمین ذی نفع، (دو) حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت، (سه) حق مطالبه بازپرداخت، (چهار) حق وثیقه گشاینده بر اسناد و کالای مذکور در اسناد.

۱-۲-۱- حقوق ناشی از نقض تضمین ذی نفع

با پرداخت وجه اعتبار، اصل بر نهایی بودن پرداخت و عدم امکان استرداد وجه پرداختی است. حقوق گشاینده به جهت نقض تضمینات ذی نفع و حقوق او در اثر قائم مقامی در پرداخت، دو استثنا بر این اصل است (وکیل زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

با توجه به اینکه اصل استقلال اعتبار تا زمانی است که پرداخت صورت نگرفته و نقض تعهد تضمین و حقوق قائم مقامی در پرداخت پس از پرداخت وجه اعتبار می‌باشد، این دو دسته قواعد در این مرحله با اصل استقلال اعتبار تعارضی ندارند (Barnes & Byrne, 2002:1456).

در تعهدات پرداخت مجرد، ذی نفع اعتبار، نسبت به اسنادی که تحویل می‌دهد و اظهارات او، این اسناد، امر یا اموری را تضمین می‌کند. یکی از تعهداتی که ذی نفع اعتبار برعهده دارد، تعهد به درستی و اصالت سند است. این تعهد، در انتقال و ارائه سند برعهده ذی نفع است. وجود چنین تعهدی برای ذی نفع، برای گشاینده اعتبار هم موجب ایجاد حق (ضمانت اجرا) می‌شود. طبق اصل استقلال اعتبار، تضمیناتی که بایع در عقد بیع در برابر خریدار برعهده دارد، با تضمیناتی که ذی نفع در برابر متعهد لهم (از جمله گشاینده) دارد، متفاوت است. متعهد له در تضمین‌های عقد بیع، فقط خریدار، ولی متعهد له تضمین‌های اعتبار، تمام اشخاص مرتبط با اسناد و دارای نفع می‌باشند. عیوب در اسناد ارائه شده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. عیوب ظاهر، ۲. عیوب پنهان.

ذی نفع، عیوب پنهانی اسناد را تضمین می‌کند و با دریافت وجه اعتبار، هیچ مسئولیتی نسبت به فقدان عیوب ظاهری (عدم انطباق) اسناد ندارد. بنابراین، اگر پس از پذیرش اسناد و پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع، عیوب ظاهری اسناد (عدم انطباق اسناد) احراز شود، گشاینده حق مراجعه به ذی نفع را ندارد، زیرا، ذی نفع، فقدان عیوب ظاهری اسناد را تضمین نکرده است (نصیری اقدم، ۱۳۹۶: ۱۵۱). این گشاینده است که باید عیوب ظاهری اسناد را کشف کند. در تمام مقررات در زمینه تعهدات مجرد، این گشاینده است که باید اسناد را بررسی کند تا تطبیق اسناد بر حسب ظاهر با مفاد اعتبار را تشخیص دهد بانک مسئول مطابقت اسناد با واقع (فقدان عیوب پنهانی در اسناد) نیست.

حقوق، به جای آنکه گشاینده را مسئول بررسی مطابقت واقعی و ظاهری اسناد (احراز فقدان عیوب پنهان و ظاهر در اسناد) بدانند، راه دیگری یافته است.

تعهدات پرداخت مجرد، به جای آنکه مسئولیت بررسی عیوب پنهانی اسناد (جعلیت و تزویر، وجود یا فقدان ارزش حقوقی برای سند و غیره) را برعهده بانک بگذارد و کارکرد این ابزار مهم را کاهش دهد، مسئولیت فقدان عیوب پنهانی در اسناد را برعهده ذی نفع گذاشته است. این مسئولیت زمانی برعهده ذی نفع اعتبار قرار می‌گیرد که او وجه اعتبار را دریافت کرده باشد. بنابراین، احراز مطابقت ظاهری اسناد برعهده گشاینده و مطابقت واقعی اسناد (فقدان عیوب پنهانی) برعهده ذی نفع می‌باشد (شهبازی نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

تعهد گشاینده برای کشف عیوب ظاهری اسناد، تعهد به نتیجه می‌باشد. بنابراین، اگر گشاینده اعتبار وجه اعتبار را در برابر صورت حسابی بپردازد که به درستی توصیف نشده است، در برابر مشتری خود (متقاضی اعتبار) مسئول است. (Dolan, 1986: 347) اما اگر گشاینده اعتبار با حسن نیت (جهل از واقع) وجه اعتبار را در برابر صورت حساب تقلبی پرداخته باشد که از ظاهر سند قابل مشاهده نیست، مسئول نخواهد بود؛ زیرا این امور از عیوب پنهانی سند است که گشاینده مسئول آن نیست. در واقع، تضمین عیوب پنهانی به ما می‌گوید که رسیدگی به اختلاف راجع به عیوب پنهانی اسناد (تقلب در معامله پایه، جعل و تزویر) باید پس از اینکه پرداخت صورت گرفت، رسیدگی شود. لذا تعهد تضمین، مانع کارکرد صحیح تعهدات پرداخت مجرد نیست.

وجود نهاد «تضمین قانونی عیوب پنهانی اسناد» که ذی نفع را پس از تسلیم اسناد و دریافت وجه اعتبار مسئول می‌کند، علاوه بر اینکه امنیت و سرعت پرداخت را که ویژگی‌های مهم

تعهدات مجرد می‌باشد نشان می‌دهد، ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه را هم مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، تعهدات پرداخت مجرد، پرداخت سریع و مطمئن وجه اعتبار را تضمین می‌کند، نه پرداخت نهایی را. بنابراین، پرداخت اگر چه سریع و مطمئن است، اما در مواردی امکان دارد وجه پرداختی، بازپس گرفته شود.

۲-۲-۱- حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت

دومین استثنا بر اصل نهایی بودن پرداخت وجه اعتبار، حقوقی است که برای گشاینده با پرداخت وجه اعتبار طبق نظریه قائم مقامی در پرداخت به وجود می‌آید، و به قائم مقامی از متقاضی اعتبار، به ذی‌نفع مراجعه می‌نماید. در حقوق خصوصی، قائم مقامی دو نوع است: (یک) قائم مقامی به سبب انتقال مال یا حقی از شخصی به شخص دیگر؛ (دو) قائم مقامی به دلیل پرداخت دین دیگری (قائم مقامی در پرداخت).

قائم مقامی نوع دوم که گاهی آن را «حق رجوع» می‌گویند، موضوع بحث در تعهدات پرداخت مجرد است. قاعده‌ای وجود دارد که هنگامی که شخصی دین مدیون اصلی (دین دیگری) را با اذن یا قراردادی که با مدیون اصلی دارد، از دارایی‌های خود پرداخت کند، هم حق مطالبه بازپرداخت را از مدیون اصلی دارد و هم «حق قائم مقامی در پرداخت». به این معنا که برای استیفای طلب خود از مدیون اصلی، قائم مقام طلب کار سابق نسبت به حقوقی می‌شود که طلب کار سابق (دریافت کننده وجه) در برابر مدیون اصلی داشته است. این حق با حق مطالبه بازپرداخت از مدیون اصلی متفاوت است. مصداق بارز حق قائم مقامی در پرداخت، در عقد ضمان و قراردادهای بیمه دیده می‌شود.

در عقد ضمان، شخصی که با اذن مدیون اصلی دین او را ضمانت می‌کند با پرداخت دین او، قائم مقام حقوق طلب کار در برابر مدیون اصلی می‌شود. این حق قائم مقامی برای جلوگیری از دارا شدن غیر عادلانه مدیون اصلی جلوگیری می‌کند و طبق این اصل، تعهد بر ذمه مدیون اصلی می‌باشد (White, 1996: 41).

دیدگاه سنتی، حق قائم مقامی در پرداخت در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد را به رسمیت نمی‌شناخت و بر آن بود که قائم مقامی مربوط به تعهدات ثانوی است و تعهدات مجرد تعهدی اصلی و مستقل است.

به عبارت دیگر، اشکال این بود که در واقع با حق قائم مقامی «دین دیگری» پرداخته می‌شود و تعهد آن از نوع تعهد «ثانوی» می‌باشد، ولی از آنجایی که تعهد گشاینده اعتبار اصلی و مستقل است «دین خود» را ایفا می‌کند. بنابراین، وصف «اصلی بودن» و «مستقل بودن» تعهد گشاینده مانع حق قائم مقامی برای گشاینده می‌شود. به نظر می‌رسد بین مفهوم «متعهد اصلی» و «مدیون واقعی» اشتباه شده است. گشاینده، متعهد اصلی تعهد ناشی از اعتبار می‌باشد، اما او «مدیون واقعی» این دین نیست، بلکه متقاضی اعتبار «مدیون واقعی» است و آنچه مانع پذیرش حق قائم مقامی در پرداخت می‌شود آن است که دین توسط «مدیون واقعی» پرداخت شده باشد. بنابراین، نباید مفهوم «متعهد اصلی» را با «مدیون واقعی» اشتباه گرفت (آقایی فر، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

وصف «تعهد اصلی» به این مسأله اشاره دارد که جهت ایجاد امنیت و اطمینان پرداخت نزد طلبکار (ذی نفع اعتبار)، تعهد، وصفی مستقل و مجرد به خود گرفته است، نه آنکه چنین متعهدی واقعاً مدیون آن دین بوده باشد.

مفهوم «اصلی بودن» تعهد گشاینده حسب مورد، معنای متفاوتی دارد. گاه گفته می‌شود تعهد گشاینده در برابر ذی نفع، تعهدی اصلی است. اصلی بودن تعهد گشاینده در برابر ذی نفع به این معناست که طلبکار (ذی نفع اعتبار) برای مطالبه وجه از گشاینده نیاز نیست ابتدا به مدیون اصلی (خریدار یا همان متقاضی اعتبار) مراجعه کند و در صورت عدم پرداخت وجه از طرف مدیون اصلی، ناچار شود به گشاینده مراجعه کند.

هم چنین اصلی بودن تعهد گشاینده، در رابطه میان گشاینده و ذی نفع، به این معناست که تعهد گشاینده اعتبار، از تعهد متقاضی اعتبار گرفته نشده است. بنابراین، گشاینده اعتبار نمی‌تواند به دفاعیات متقاضی اعتبار طبق قرارداد پایه در برابر ذی نفع، استناد کند. از اصلی بودن تعهد، در رابطه میان گشاینده و متقاضی اعتبار هم صحبت می‌شود. در این حالت، «اصلی بودن» تعهد، معنای متفاوت با مطالب فوق دارد (نیکبخت و بنانیاسری، ۱۳۹۰: ۳۸۱).

در اینجا، اصلی بودن به معنای «مدیون واقعی بودن» به کار می‌رود. در حالی که متعهد اصلی، در رابطه متعهدان پرداخت (گشاینده و خریدار) و طلبکار (ذی نفع اعتبار)، گشاینده اعتبار است. در رابطه میان خود متعهدان پرداخت (متقاضی و گشاینده اعتبار) متقاضی اعتبار «متعهد اصلی» به معنای «مدیون واقعی» می‌باشد.

با پرداخت وجه اعتبار از سوی گشاینده، از یک طرف، دینی را که خودش متعهد اصلی آن است، ایفا می‌کند و از طرفی دیگر با این پرداخت، دین متعهد اصلی (یعنی مدیون واقعی) آن، که شخصی غیر از بانک گشاینده اعتبار است نیز ساقط می‌شود.

بنابراین، با دقت در معنای «تعهد اصلی»، درمی‌یابیم که گشاینده اعتبار، مدیون واقعی دینی که پرداخته نیست، و سقوط آن دین از دارایی بانک گشاینده به وی حق قائم مقامی نسبت به حقوقی ذی‌نفع در برابر متقاضی می‌دهد.

به طور خلاصه، در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد، مفهوم متعهد اصلی و متعهد ثانوی با توجه به اینکه در کدام یک از دو رابطه (رابطه بانک متعهد با طلب‌کار یا رابطه میان خود متعهدها) به کار رفته، معنای متفاوتی دارد.

در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد، هنگامی که گفته می‌شود تعهد گشاینده اعتبار تعهدی اصلی (اولی) است، مقصود پیش از پرداخت است. آثار اصلی بودن تعهد در این دوره، آن است که آنچه باعث تعهد بانک می‌شود، ارائه اسناد است نه احراز وقایع خارجی، اما قائم مقامی پرداخت پس از پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع به وجود می‌آید. پس از پرداخت، دیگر رابطه میان متعهدها مطرح می‌شود. در این مرحله، اصطلاحات «اولی» و «ثانوی» معنایی متفاوت با آنچه در مرحله پیش از پرداخت بیان شد، دارد. در این مرحله، مقصود از «متعهد اولی» کسی است که دین در نهایت بر ذمه او می‌باشد. در این مرحله، برای تشخیص متعهد اصلی یا ثانوی بودن بانک گشاینده اعتبار، باید به این نکته دقت کرد که شرط اعمال نظریه قائم مقامی این است که ایفای دین از طرف متعهدی صورت گرفته باشد که متعهد اصلی نیست. در رابطه میان متعهدها، یک مدیون (متعهد) قائم مقام حقوق طلب‌کار در مراجعه به متعهد دیگر می‌شود (Boss, 1993: 1117).

پذیرش حق قائم مقامی در پرداخت برای گشاینده اعتبار، با اصل استقلال اعتبار در تعارض نمی‌باشد، زیرا حق قائم مقامی در پرداخت مربوط به مرحله پس از پرداخت است که دیگر در آن مرحله به اصل استقلال نیاز نیست. به طور خلاصه، در رد نظری که قائم مقامی در پرداخت را در تعهدات مجرد در تعارض با اصل استقلال می‌دانند، باید گفت که یکی از شرایط نظریه قائم مقامی در پرداخت آن است که وجه توسط غیر مدیون با اذن مدیون اصلی «پرداخت شده باشد»، و چون با پرداخت وجه اعتبار، دیگر اصل استقلال بی‌معنا می‌شود، پس نمی‌توان قائم مقامی را معارض با

تعهدات مجرد دانست و نظریه قائم مقامی در پرداخت در تعهدات مجرد، هیچ تأثیر منفی‌ای بر کارایی اقتصادی و فواید تجاری تعهدات مجرد ندارد.

پس از اثبات اینکه اصل نظریه قائم مقامی در پرداخت در قلمرو تعهدات پرداخت مجرد قابل پذیرش است، در زمینه قائم مقامی در پرداخت در تعهدات مجرد، لازم است چند نکته ذکر شود: (یک) قائم مقامی در روابط مختلفی دیده می‌شود: قائم مقامی گشاینده بر حقوق ذی‌نفع طبق قرارداد پایه در برابر متقاضی، قائم مقام گشاینده بر حقوق متقاضی اعتبار در برابر ذی‌نفع اعتبار، قائم مقامی بانک تأییدکننده بر حقوق گشاینده در برابر هر یک از متقاضی یا ذی‌نفع اعتبار، و حق قائم مقامی متقاضی پس از آنکه وجه اعتبار را به گشاینده بازپرداخت برای استفاده حقوق گشاینده در برابر ذی‌نفع.

حقوق قائم مقامی گشاینده اعتبار را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: (یک) موردی که گشاینده در پی قائم مقامی ذی‌نفع در مراجعه به متقاضی اعتبار است؛ (دو) گشاینده، قائم مقام متقاضی در رجوع به ذی‌نفع می‌شود (McCormack, 2000: 121).

حق قائم مقامی در پرداخت، از نظر گشاینده اعتباری که متعهد به پرداخت وجه اعتبار است، منفک از حق مطالبه بازپرداخت و مکمل آن است، و زمانی که حق مطالبه بازپرداخت بانک را به طلب خود نمی‌رساند، گشاینده از حق قائم مقامی استفاده می‌کند (Dolan, 1999: note 1213) (دو) مسأله دیگر آن است که گشاینده در چه حقوقی قائم مقام دیگری (ذی‌نفع یا متقاضی) می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که گشاینده اعتبار هم در «حقوق ناشی از معامله پایه»، و هم در «حقوق مربوط به معامله پایه» قائم مقام شخصی می‌شود که حقوق او را از راه قائم مقامی اعمال می‌کند. (Dolan, 1999: note 1213)

۳-۲-۱- حق مطالبه بازپرداخت

یکی دیگر از حقوق گشاینده که با ایفای تعهد اعتبار برای او ایجاد می‌شود، حق مطالبه بازپرداخت وجه اعتبار از طرف متقاضی است. منشأ این حق، قرارداد بازپرداختی است که بین متقاضی و گشاینده منعقد شده است و در برابر متقاضی ایجاد می‌شود.

این حق، معلق به ایفای صحیح تعهد اعتبار در برابر ذی‌نفع است که به اجمال به آن می‌پردازیم. تعهد متقاضی به بازپرداخت تعهدی معلق است و معلق‌علیه آن پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع، مطابق چیزی است که میان گشاینده و متقاضی توافق شده است (مسعودی، ۱۳۹۷: ۷۷).

زمانی که گشاینده، با وجود عدم مطابقت ظاهری اسناد، وجه اعتبار را به ذی‌نفع پردازد، ممکن است پرداخت او به ذی‌نفع صحیح و غیر قابل استرداد باشد، اما گشاینده به جهت تخلف از قرارداد گشایش اعتبار، حق مطالبه بازپرداخت بخش یا تمام مبلغ پرداختی را از متقاضی اعتبار ندارد (بنانیاسری، ۱۳۹۵: ۶۳۰).

۴-۲-۱- حق وثیقه گشاینده بر اسناد و کالای مذکور در اسناد

در تعهدات مجرد با پرداخت وجه اعتبار و به تصرف گرفتن اسناد ارائه شده حق وثیقه به وجود می‌آید. ایجاد حق وثیقه بر اسناد و کالا برای گشاینده فقط در تعهدات مجرد تجاری قابل تصور است، زیرا اسناد مورد ارائه در این نوع اعتبار دارای ارزش مالی می‌باشد و معرف حقوق مالی دارنده اسناد بر کالا (وکیل‌زاده ثانی، ۱۳۸۷: ۵۶) می‌باشند. اما سند یا اسناد ارائه شده در اعتبارنامه تضمینی دارای ارزش مالی نیستند و چون فقط مال را می‌توان وثیقه گذاشت ایجاد حق وثیقه بر این نوع از اسناد، منتفی می‌شود. وثیقه بودن اسناد مالکیت کالا، پشتوانه تعهدات پرداخت مجرد می‌باشد. بانکی که به درخواست مشتری افتتاح اعتبار می‌کند، نگران بازپرداخت مبلغی است که طبق اعتبار باید پردازد. وثیقه‌ای که در اثر تصرف اسناد مالکیت کالای موضوع قرارداد پایه برای بانک فراهم می‌شود، نقش فرعی دارد، ولی وجود این وثیقه برای بانک ضروری است تا بتواند وجهی را که طبق اعتبار پرداخته است، را بازگرداند.

۲. حقوق و تعهدات ذی‌نفع اعتبار در برابر گشاینده

تعهدات پرداخت مجرد به معنای خاص، ایقاع است. ایقاعی که به موجب آن گشاینده با اراده یک‌جانبه خویش در برابر ذی‌نفع متعهد می‌شود. در اینجا، ذی‌نفع، متعهدله است و با تعهد گشاینده، تعهدی برای او ایجاد نمی‌شود (Ward, 2001:138) تا اینکه ذی‌نفع اسناد را ارائه داده و مبلغ اعتبار را دریافت می‌کند. با ارائه اسناد از سوی ذی‌نفع، و پرداخت وجه به او، تعهداتی بر ذی‌نفع تحمیل می‌شود. تعهداتی که بعد از دریافت وجه برعهده ذی‌نفع قرار می‌گیرد، «تضمینات

ذی‌نفع» می‌باشد. به عبارت دیگر، ذی‌نفع تا زمانی که وجه اعتبار را دریافت نکرده است، هیچ تعهدی به سبب تعهدات مجرد در برابر گشاینده یا بانک‌های ثانوی ندارد. ذی‌نفع، متعهدله التزام مالی‌ای است که گشاینده به ارادهٔ یک‌جانبهٔ خود برعهده گرفته است. تعهد گشاینده اعتبار، التزامی معلق است که تنها در صورت تحقق معلق‌علیه مقرر در اعتبار، تعهدی قابل اجرا می‌باشد. معلق‌علیه تعهد گشاینده ممکن است ارائه اسناد مشخص یا صرف مطالبه از سوی ذی‌نفع باشد.

حقوق مالی‌ای را که ذی‌نفع با تشکیل اعتبار به دست می‌آورد به «حق مالکیت طلب» و «اختیار ارائه اسناد» می‌توان تقسیم کرد. با گشایش اعتبار، ذی‌نفع، مالک طلبی می‌شود که در اثر گشایش اعتبار به نفع او ایجاد شده است. هرچند تا پیش از وقوع معلق‌علیه اعتبار، این طلب، طلبی معلق باشد. ذی‌نفع اعتبار به عنوان مالک طلب می‌تواند هر تصرفی را در ملک خود انجام دهد. مثلاً، ذی‌نفع می‌تواند مالکیت طلب را به دیگری واگذار کند یا اگر در حقوق کشوری رهن طلب پذیرفته شده باشد، طلب ناشی از اعتبار را نزد دیگری رهن بگذارد. لازم به ذکر است که معلق بودن طلب، مانع تصرفات ناقله و به وثیقه گذاشتن آن نیست. در این صورت مالک بعدی طلب (انتقال گیرنده طلب) یا مرتهن در برابر مدیون (بانک گشاینده) حقی بیش از خود ذی‌نفع نخواهند داشت؛ یعنی تا زمان تحقق معلق‌علیه اعتبار، طلب نسبت به ایشان نیز طلب معلق می‌باشد (نیکبخت و بنانیاسری، ۱۳۹۰: ۴۰۱). در هر حال، در ساز و کار تعهدات مجرد، برخلاف اسناد تجاری به معنای خاص، ایفای تعهد بانک (پرداخت وجه اعتبار)، منوط به انجام عمل مشخصی (ارائه اسناد مقرر در اعتبار یا صرف مطالبه) از سوی ذی‌نفع اعتبار است. حال در اینکه ذی‌نفع اعتبار و نماینده او حق دارد که اسناد مقرر را به بانک ارائه دهد، شکی نیست. بحث اساسی در تصرفات ناقله می‌باشد. در تصرفات ناقله، انتقال «اختیار ارائه اسناد» تنها در قالب «انتقال اعتبار» مجاز است. با انتقال اعتبار، علاوه بر اینکه منتقل‌آلیه مالک طلب ناشی از اعتبار می‌شود، وی اختیار تهیة اسناد و ارائه آنها به گشاینده برای مطالبه وجه اعتبار را نیز به دست می‌آورد. در صورت تخلف گشاینده از تعهد اعتبار، ذی‌نفع به موجب قانون حاکم بر تعهدات مجرد، حقوق و ضمانت اجرایی مانند الزام به انجام عین تعهد یا حق مطالبه خسارت را در برابر گشاینده دارد (کاشانی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۳).

از آنجا که تعهدات گشاینده اعتبار، همان حقوق ذی‌نفع اعتبار است و تعهدات ذی‌نفع هم حقوق گشاینده اعتبار به حساب می‌آید، به دلیل بررسی تعهدات گشاینده در مبحث قبل، دیگر نیازی به تکرار آن مطالب نیست (Ward, 2001: note 1694, at 140). نکته‌ای که باید به آن

توجه کرد این است که ذی نفع، حق ارائه جزئی وجه اعتبار را دارد. روشن است که همچنان که هر طلب کاری حق دارد تمام طلب خود را دریافت دارد، می تواند جزئی از آن طلب را هم دریافت کند، بی آنکه موافقت یا مخالفت بدهکار شرط باشد. در پرداخت جزئی طلب، شاید موافقت طلب کار شرط باشد، اما موافقت بدهکار شرط نیست.

اهمیت این مطلب، یعنی امکان برداشت جزئی مبلغ اعتبار، در جایی است که ارائه اسناد راجع به اجرای تعهدات عقد پایه بیع، یعنی ارسال مبیع نیز می تواند به نحو جزئی صورت گیرد و فروشنده (ذی نفع اعتبار) بتواند با ارسال بخشی از محموله و تهیه اسناد راجع به آن بخش، فقط آن بخش از مبلغ اعتبار را که با اسناد موضوع ارائه متناسب است، دریافت کند.

نتیجه گیری

۱. تعهدات مجرد، ایقاعی است که به محض تشکیل، تعهدی لازم بر عهده گشاینده ایجاد می شود. تا زمانی که گشاینده، وجه اعتبار را به ذی نفع نپرداخته است، هیچ حقی در برابر ذی نفع ندارد.
۲. تعهدات گشاینده در برابر ذی نفع، شامل تعهد به بررسی اسناد، تعهد به رعایت دقت و حسن نیت، تعهد به اطلاع موارد عدم انطباق به ذی نفع، و نهایتاً تعهد به پرداخت است.
۳. حقوقی که گشاینده با پرداخت وجه اعتبار در برابر ذی نفع خواهد داشت، شامل حقوق ناشی از نقض صحت، درستی، اصالت اسناد و عدم ارتکاب تقلب، از یک طرف و حقوق ناشی از قائم مقامی در پرداخت، از طرف دیگر، می باشد.
۴. ذی نفع تا زمانی که وجه اعتبار را دریافت نکرده است، هیچ تعهدی به سبب تعهدات مجرد در برابر گشاینده یا بانک های ثانوی ندارد و با ارائه اسناد از سوی ذی نفع، و پرداخت وجه به او، تعهداتی بر ذی نفع تحمیل می شود.

منابع

- آقایی فر، حسن. (۱۳۹۵) «روابط طرف قراردادهای اعتبار اسنادی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.
- بنا نیاسری، ماشاله. (۱۳۹۵) *حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی)*، تهران: شهردانش، چاپ اول.

- رفیعی، محمد تقی. (۱۳۹۴) «تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار در حقوق ایران»، فصلنامه اندیشه حقوقی خصوصی، شماره ۲۶.
- سلطان، محمد (۱۳۹۰) حقوق بانکی، تهران: میزان، چاپ اول.
- شهبازی‌نیا، مرتضی. (تابستان ۱۳۸۶) «انتقال و توثیق ضمانت نامه‌های بانکی»، مدرس علوم انسانی، شماره ۲.
- کاشانی‌زاده، هدی. (بهار و تابستان ۱۳۹۱) «اعتبار اسنادی از منظر ماهیت حقوقی»، مجله حقوق بانکی، سال اول، شماره ۱.
- مجموعه قوانین و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP600).
- مسعودی، علیرضا. (۱۳۹۷) ضمانت‌نامه بانکی در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل، تهران: نشر دانش، چاپ دوم.
- نصیری اقدم، رضا و پیمان دادرس. (تابستان ۱۳۹۶) «شیوه‌های پرداخت در معاملات تجاری بین‌المللی با تأکید بر اعتبارات اسنادی»، تحقیقات خصوصی و کیفری، شماره ۳۲.
- نیکبخت، حمید رضا و ماشاءالله بنا نیاسری. (تابستان ۱۳۹۰) «قابلیت ماهیت اعتبار در حقوق اعتبارات اسنادی (مطالعه‌ای در مفهوم، شرایط، آثار و ماهیت حقوقی معامله اعتبار)»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵.
- وکیل‌زاده ثانی، حسین. (بهار و تابستان ۱۳۸۷) «بررسی ماهیت حقوقی اعتبارات اسنادی»، گفت‌وگو حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۳ و ۱۴.
- Barnes, James G & James E. Byrne, (2002), «Revision of U.C.C.» Article 5.
- Boss, Amelia H. (1993) *Suretyship and Letters of Credit*, Subrogation Revisited.
- Dolan, John F. (1986), *Letter of Credit*, Article 5 Warranties, Fraud, and the Beneficiary's Certificate, 41 business lawyer.
- Dolan, John F. (1999), *A Study of Subrogation Mostly in Letter of other Abstract Obligation Transactions*.
- Mc Cormack, Gerald. (2000) Subrogation and Banker's Autonomous under tacking, *Law Quarterly Review* 121.
- Pawlowlic, Dean, (2001), *Letters of Credit: A Framework for Analysis of Transfer, Assignment, Negotiation and Transfer by Operation of Law*.

- Roy, Goode. (2001), «Abstract Payment Undertakings in International Transactions», note 47, at 3.
- Schmitthff, Clive M, (1987), «Discrepancy of Documents in Letter of Credit Transactions», *Journal of Business Law* 94.
- The American Law Institute & National Conference of Commissioners on Uniform States Law, Uniform Commercial Code: Official Text and Comments, 199.
- The American Law Institute, Restatement Third of Suretyship and Guaranty, (1986), note 765, at 113.
- Ward, Alan. (2001) Assignment and Do cumentry Credits, *Journal of International Banking*, 138.
- White, james J. (1996) «Rights of Subrogation in Letters of Credit Transactions», 41 *Saint Louis University Law Journal* 47, 54.